



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴

مصادف با: ۸ ذی القعدة ۱۴۴۶

جلسه: ۳۴

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۶۰ - بخش‌های پنج‌گانه آیه - بخش پنجم: «وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» -

مطلب اول - مطلب دوم - احتمالات سه‌گانه - احتمال برگزیده

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ»

بخش پنجم: «وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»

بخش پنجم که آخرین بخش از آیه ۶۰ است، این است: «وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ». این بخش مشتمل بر چند مطلب است:

مطلب اول

در این آیه نهی شده از طغیان و فساد. در مورد «عتی» دو احتمال وجود دارد:

۱. یک احتمال اینکه به معنای تعدی از حد است.
 ۲. احتمال دوم که بعضی از مفسرین هم به آن اشاره کرده‌اند، شدت فساد است. البته در معنای اول که مطلق تعدی از حد است، خود تعدی از حد هم فساد است، اما معنای فساد به صراحت در احتمال اول ذکر نشده است.
- اگر گفتیم «عتی» به معنای مطلق تعدی از حد است، کلمه «مفسدین» می‌تواند یک حالت و قیدی برای «لا تعتوا» باشد؛ در این صورت، «وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» یعنی از حد تعدی نکنید در حالی که مفسد و فسادکننده هستید. این معنایش آن است که ممکن است تعدی از حد به گونه‌ای باشد که افساد در آن نباشد؛ ممکن است تعدی از حد و تجاوز از حد با توجه به مراتبی که می‌توانیم برای آن ذکر کنیم، به حدی نرسد که افساد داشته باشد.
- به هر حال در این آیه نهی شده از تعدی از حد یا شدت فساد؛ بنابر دو احتمالی که اینجا وجود دارد. لکن مسئله این است که چرا به دنبال «كلوا واشربوا من رزق الله» این جمله را فرمود؟ این در واقع برای تنبیه و هشدار است که حالا که ما به شما این همه رحمت و نعمت عطا کردیم، آب شرب، من و سلوی، وسعت و اسباب زندگی برای شما قرار دادیم، باید شکر این نعمت‌ها را به جا بیاورید، نه اینکه کفران نعمت کنید و شروع کنید به فساد و تعدی از حد خودتان. پس این در واقع هشدار است به بنی اسرائیل است که بعد از این همه لطف و رحمت خداوند، سزاوار این است که شکرگزار او باشید، نه اینکه نسبت به نعمت‌های خدا کفران داشته باشید.

مطلب دوم

مطلب دوم این است که منظور از فساد و طغیان در این آیه چیست؛ می‌گوید «وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ». چه ما مفسد را تأکید «لا تعتوا» بدانیم، بدین معنا که شدت فساد نداشته باشید، چه این تأکید نباشد، فساد و طغیان به چه چیزی تحقق پیدا می‌کند؟ سه احتمال اینجا وجود دارد که مفسران به این احتمالات اشاره کرده‌اند.

احتمال اول

یک احتمال که فخر رازی در تفسیر کبیر به آن اشاره کرده، این است که طغیان در خصوص انتفاع از ماء نداشته باشید؛ چون

معمولاً در بهره‌برداری از آب، مخصوصاً زمانی که نیازها شدید می‌شود، نزاع درمی‌گیرد. همین الان هم شاهد این مسئله هستیم؛ شاید نزاعی که در مورد آب صورت می‌گیرد، شدیدتر از نزاعی باشد که در مورد غذا وجود دارد؛ هرچند هر دو به نوبه خود، مهم هستند. فخر رازی می‌گوید: وقتی خداوند فرمود «فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ» و برای هر گروه یک مشربی قرار داد، یعنی اصل آب به عنوان یک نعمت در اختیار آنها قرار گرفت و تعداد مشرب‌ها به اندازه همان اسبابی بود که در بنی‌اسرائیل وجود داشت، پس قاعدتاً نمی‌بایست بر سر آب تنازع پیش بیاید؛ اما چون خداوند متعال این قوم را می‌شناخت، حرص و طمع و عجز بودن و بی‌صبری آنها را می‌دانست، فرمود: حالا که تمام نعمت‌های خداوند در اختیار شما قرار گرفته، دیگر بر سر این آب با یکدیگر نزاع نکنید، افساد نکنید. به قول فخر رازی «فَكَأَنَّهُ تَعَالَى قَالُ إِن وَقَعَ التَّنَازُعُ بِسَبَبِ ذَلِكَ الْمَاءِ فَلَا تَبَالُغُوا فِي التَّنَازُعِ»^۱، یعنی کأن اصل تنازع آنها را در مورد آب مسلم گرفته، منتها می‌گوید مبالغه در نزاع نکنید؛ یک حدی از نزاع شاید متعارف و پذیرفته شده است. این مخصوصاً با آن معنایی که گفتیم «عشی» به معنای شدت فساد است، سازگار است؛ اگر اینطور معنا کنیم، «لَا تَعْتَوُوا» یعنی نهی از مبالغه در تنازع بر سر آب، که این قابل پیش‌بینی بود؛ هم شرایط آنها اینطور بود و هم مردم نوعاً در مورد آب تنازع دارند. در مورد بنی‌اسرائیل هم عواملی که موجب تنازع آنها شود، مزید بر علت بوده است. این یک احتمال است که فساد به خصوص در مورد آب و بهره‌برداری از آن است.

احتمال دوم

احتمال دیگر اینکه طغیان و فساد در اکل و شرب منظور است؛ چون قبل از آن، سخن از اکل هم به میان آمده است: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ». اکل را گفتیم ظهور در فعلیت دارد و قاعدتاً به همان معنای من و سلوی است، نه آن چیزهایی که با آبیاری زمین‌ها و باغات بدست می‌آید که این می‌شود یک مأکول بالقوه؛ شرب هم به همین اعتباری است که گفته شد. لذا به دنبال «كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ» می‌فرماید «و لَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مَفْسِدِينَ»، در اکل و شرب طغیان و فساد نکنید. البته این نظیر هم دارد؛ در آیات ۸۰ و ۸۱ سوره طه، این چنین آمده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى * كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ»^۲، اینجا به خصوص در مورد طغیان نسبت به اکل هم هشدار داده است.

احتمال سوم

احتمال سوم این است که به طور مطلق آنها را نهی می‌کند از طغیان و فساد، نه در خصوص اکل و شرب، بلکه طغیان و فساد فی الارض. می‌فرماید: خداوند متعال این همه به شما نعمت داد؛ مجموعه‌ای از نعمت‌ها ذکر شد؛ بعد هم مأکولات و آب برای شرب؛ کأن می‌خواهد بفرماید حالا که خداوند به شما این همه محبت کرده، آدم باشید و زندگی کنید؛ مخصوصاً کلمه «فی الارض» که اینجا ذکر شده، می‌تواند مؤید همین معنا باشد، یعنی مطلق طغیان را می‌گوید، نه در خصوص اکل و شرب؛ می‌خواهد بگوید با وجود این نعمت‌هایی که خداوند در اختیار شما قرار داده، فساد نکنید و طغیان در زمین نداشته باشید.

احتمال برگزیده

این سه احتمال تقریباً در این آیه ذکر شده و هر کدام هم می‌تواند با قرائنی تأیید شود؛ اما به نظر می‌رسد که با توجه به مجموع این مطالب و قرائن و نظایری که گفتیم، شاید احتمال دوم اصح باشد که اینجا نهی می‌کند از طغیان در اکل و شرب. چون قبل

۱. تفسیر کبیر، ج ۳، ص ۹۸.

از آن، اكل و شرب ذكر شده و لذا نهی هم ناظر به آن موقعیتی است كه آنها در آن قرار داشتند. البته احتمال سوم هم چندان دور از ذهن نیست. این دو احتمال حتماً بر احتمال اول كه فخر رازی گفته، رجحان دارد.

سؤال:

استاد: گفتیم در مورد «عشی» دو احتمال هست؛ می‌خواهد بگوید با وجود این نعمت‌ها، شما طغیان نکنید. طغیان یعنی تعدی از حد ... یعنی مطلق فساد را می‌گوید یا ناظر به موقعیت و شرایط خاصی است ... پس شما تأیید می‌کنید كه مطلق افساد را نمی‌گوید؛ این در واقع ناظر به فساد و تعدی از حد مربوط به اكل و شرب است. درست است «فی الارض» آورده، ولی اینجا با توجه به آنچه كه قبل از آن آمده، به این معناست.

«والحمد لله رب العالمین»